

بررسی اثبات یا رد ارتکاب جرم ربا در بانکداری ایران

علی سیفی^۱

^۱ کارشناسی ارشد، حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج

نویسنده مسئول:

علی سیفی

چکیده

ربا در قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ آن را جرم انگاری شده است. در این مقاله ربوی بودن یا نبودن عملیات بانکها بررسی شده و پس از تبیین ویژگی های ماهوی ربا، صوری بودن برخی عملیات های بانکی به دلیل سود ثابت، خلق پول و عدم وجود نفع مشروع در خلق پول و محل مصرف وام و تسهیلات بانکی در شریعت اسلام؛ اساس مشروعیت سپرده و وام بانکی را از بین می برد. با وجود اینکه عقود بانکی که مورد تأیید شورای فقهی پول و اعتبار، پژوهشکده پولی و بانکی و حوزه های علمیه منجر به اعطای تسهیلات می شود، مشروع و علمی است؛ اما این مشروعیت وابسته به عقود است که مبنای آن به تولید و منافع مشروع مورد تأیید شارع مقدس بر می گردد. حال آنکه چرخش پول بدون نظارت در غیر محل مصرف مورد نظر عقود مندرج در قوانین پولی و بانکی در مواردی توسط وام گیرنده، مشروعیت این عقود را منتفی و آنها را باطل می سازد. برای مثال خرید سکه و ارز و زمین و مشارکت در این قبیل اعمال نامشروع و گاه غیرقانونی در اقتصاد کشور، بجای خرید دستگاه برای واحد تولیدی یا خرید تراکتور برای زمین کشاورزی توسط وام گیرنده می تواند موجب ابطال قرارداد به دلیل قصد نامشروع وام گیرنده یا عدم تطابق ایجاب و قبول و قصد طرفین باشد. حتی عدم صراحت وام گیرنده مبنی بر قصد نامشروع در حین عقد قرارداد نیز نمی تواند نقص و نارسائی قانون را با توجه به عسر و حرجی که چنین رویکردی در زندگی مسلمین ایجاد می کند، توجیه کند و به آن مشروعیت بخشد. اگر چه این امر هم در عالم ثبوت محقق می شود و هم در عالم اثبات، قابل اثبات است. مسئله دیگر اینکه خلق پول و جریمه دیرکرد بدون هیچگونه عمل مستوجب منفعت و صرفاً با گردش مالی و تخصیص اعتبار بدون صرف آن در امر تولید بنظر می رسد نامشروع بوده و چرخه ای خارج از چرخه عقود معین در قوانین و آئین نامه های جاری است. بنابراین از جمع موارد فوق بر می آید که چرخه سپرده بانکی و وام و تسهیلات معیوب و حاوی ماهیت ربا شده و تحقق این جرم در سیستم بانکی با چنین رویه ای امری اجتناب ناپذیر می نماید.

کلمات کلیدی: ربا، بانک، اثبات.

۱- مقدمه

هدف اسلام از تحریم ربا، نادیده گرفتن سود سرمایه و کسب درآمد از طریق به کارگیری سرمایه نقدی نیست؛ بدین سبب، معامله‌های سودآوری چون بیع، اجاره، مضاربه، شرکت، مزارعه، و مساقات را که همه یا بخشی از سود، از آن سرمایه است می‌پذیرد؛ بلکه هدف، حذف روش خاصی از سود سرمایه به نام ربا است که در آن، سود از فعالیت واقعی نشأت نمی‌گیرد؛ بلکه از صرف قرارداد قرض ناشی است به این معنا که در قرض ربوی، قرض‌دهنده بدون این که در سرمایه‌گذاری حقیقی مشارکت کند و بدون این که در تجارت واقعی داخل شود، فقط از طریق قرارداد، سود به دست می‌آورد و با این کار، بخشی از سود اقتصاد واقعی را که حاصل زحمات شرکت‌کنندگان بخش واقعی اقتصاد است، به خود اختصاص می‌دهد و این ظلم است که به سبب آن، ربا حرام شده است. اسلام با تحریم ربا، این پیام را به همگان اعلام می‌دارد که یگانه راه کسب سود از طریق سرمایه، وارد شدن در اقتصاد واقعی و از طریق معامله‌ها حقیقی است (موسویان/ ۱۳۸۴ / ص ۷۵).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، یکی از موضوعاتی که توجه خاص مسئولان قانون گذاری و اجرایی را به خود جلب کرد، تغییر نظام بانکی کشور و حذف ربا از پیکره پولی و نظام اقتصادی کشور بود. به همین منظور در سال ۱۳۶۱، لایحه بانکداری بدون ربا توسط هیأت دولت به مجلس ارائه و پس از بحث و گفتگوهای فراوان سرانجام در سال ۱۳۶۲ تصویب و پس از جلب نظر شورای محترم نگهبان ابتدای سال ۱۳۶۳ به اجرا درآمد. فصل دوم قانون بانکداری بدون ربا طی مواد سه تا شش به مسئله تجهیز منابع پولی تحت عناوین ذیل می‌پردازد: ۱ سپرده های قرض الحسنه جاری و پس انداز ۲ سپرده های سرمایه گذاری مدت دارو در فصل سوم قانون بانکداری بدون ربا طی مواد هفت الی هفده به مسئله تخصیص منابع تحت عناوین ذیل می‌پردازد: ۱- قرض الحسنه، ۲- مضاربه، ۳- مشارکت مدنی، ۴- مشارکت حقوقی، ۵- فروش اقساطی، ۶- معاملات سلف، ۷- اجاره به شرط تملیک، ۸- مزارعه، ۹- مساقات، ۱۰- جعاله، ۱۱- خرید دین، ۱۲- سرمایه گذاری مستقیم.

اکنون بیش از دو دهه از اجرای قانون عملیات بانکداری بدون ربا با خصوصیت منحصر به فرد آن می‌گذرد. با توجه به اینکه قانون مزبور، نخستین تجربه عملیات بانکی بر مبنای عقود اسلامی را در معرض اجرا قرار می‌داد، بنا بود تا پس از پنج سال اجرا و با بررسی نتایج عملی این قانون، اصلاحات لازم در آن انجام گیرد اما با گذشت ۲۵ سال، هنوز بازنگری عمیق و دقیقی انجام نشده است به طوری که مشکلات و کاستی های اجرایی عقود، باعث شده است تا هم اکنون بسیاری از معاملات بانکی در قالب عقود غیر مشارکتی که قرابت بسیاری با بانکداری ربوی و متعارف دارد، صورت می‌گیرد. در حالی که با بازنگری در قانون عملیات بانکی بدون ربا و ارائه راهکارهای جدید با عنایت به نظرات فقهی امام خمینی (ره)، می‌توان ضمن کاستن از معضلات فراروی بانک ها، شائبه ربوی بودن برخی از عقود را تا حد زیادی کاهش داد.

۲- مفاهیم

در ذیل مفاهیم اصلی تحقیق که ربا و بانکداری است توضیح می‌دهیم:

۲-۱- ربا

برای شرح ماهیت ربا را باید علاوه بر تعریف فقهی، تعریف اصطلاحی و انواع آن را نیز بیان نمود که در ذیل هر یک را توضیح می‌دهیم:

۲-۱-۱- تحریم ربا در فقه

«عن هشام بن الحکم آنه سأل أبا عبدالله عن علّة تحريم الربا، فقال: أنه لو كان الربا حلالاً لترك الناس التجارات و ما يحتاجون اليه فحرم الله الربا لتنفّر الناس من الحرام الى الحلال و الى التجارات من البيع و الشراء»؛ هشام بن حکم از امام صادق (ع) درباره علت تحریم ربا پرسید، امام (ع) فرمود: اگر ربا حلال بود، مردم تجارات و معاملات را که به آن احتیاج دارند، ترک می‌کردند، پس خداوند ربا را حرام کرد تا مردم از حرام به سوی حلال و از ربا به سوی تجارات و داد و ستد روی آورند. همچنین امام رضا (ع) در پاسخ نامه محمد بن سنان که از آن حضرت علیه السلام سؤالی را پرسیده بود، نوشت:

و علّت تحریم ربا این است که خداوند عَزَّوَجَلَّ از ربا نهی کرد، چون مایه تباهی اموال است، زیرا انسان اگر یک درهم را به دو درهم بخرد، بهای یک درهم، یک درهم است و بهای دیگر باطل (و ناحق) است. پس خرید و فروش ربوی، در هر حال برای فروشنده و خریدار موجب خسارت است. خداوند عَزَّوَجَلَّ ربا را بر بندگان حرام کرد، زیرا باعث نابودی است. و علّت تحریم ربا در نسیه، از بین رفتن کارهای نیک و نابودی اموال و گرایش مردم به سودجویی و رهاکردن قرض است و حال آن که قرض از کارهای نیک است و نیز ربا سبب فساد و ظلم و از دست رفتن ثروت‌هاست (سیفی/ ۱۳۹۱ / ص ۲۳).

۲-۱-۲- تعریف ربا در اصطلاح

تعریف فقهی ربا فروختن جنس پیمانه ای یا کشیدنی است، به همان جنس یا زیادتی در یکی از آن دو، مثل اینکه یک خروار برنج را در یک خروار و نیم برنج دیگر فروشند یا زیادتی حکمی مثل اینکه یک خروار گندم را به یک خروار گندم مدت دار نقداً فروشند. این هر دو ربا است. پس در ربا سه شرط وجود دارد: فروختن جنسی به همان جنس مثل طلا به طلا یا گندم به گندم، جنس باید پیمانه ای و کشیدنی باشد و نه شمردنی و غیره، یکی از آن دو زیادتر باشد از دیگری یا حقیقتاً یا کلاً. (فیض / ۱۳۸۰ / ص ۳۱۸) اما در تعریف کوتاهتر ولی جامع تر که به طور مشخص که ربای پولی و بانکی را هم در بر می گیرد، می توان گفت: ربا عبارت است از دریافت زیادی در مبادلات دو کالای همجنس که موزون یا مکیل باشند و یا دریافت اضافی در قرض با شرط قبلی (پوستی، حسنی / ۱۳۸۴ / ص ۱۵۷) از این تعریف نتایج ذیل حاصل می شود:

الف: ربا شامل تمام معاملات و مبادلات، خرید، فروش، قرض، صلح و ... می شود.

ب: ربا محدود به مکیل و موزون نمی شود و در غیر آن نیز جاری است.

ج: طبق این دیدگاه هرگونه معامله ظالمانه و اجحاف آمیز رباست (موسوی بجنوردی / ۱۳۷۹ / ص ۵۸).

۲-۱-۳- انواع ربا

فقه‌های بزرگوار اسلام ربا را به دو قسم «ربای قرضی» و «ربای معاملی» تقسیم می کنند که هر یک رت در ذیل توضیح می دهیم:

۲-۱-۳-۱- ربا قرضی

ربای قرضی چه در زمان‌های گذشته و چه در عصر حاضر، رایج‌ترین نوع ربایی است که در جوامع مختلف وجود داشته و دارد؛ به این صورت که فرد برای تأمین نیاز مالی، جهت امور مصرفی یا سرمایه‌گذاری، تقاضای قرض می کند و در ضمن قرارداد، متعهد می شود آن چه را می گیرد همراه با زیادی برگرداند. در حقیقت ربا قرضی، قرارداد قرضی است که در آن شرط زیادی شده است. و چنان چه از قرآن و سنت گذشت، چنین ربایی حرام است.

امام صادق (ع) در تبیین چنین ربایی می فرماید:

« ربا دو نوع است: ربا حلال و ربا حرام. ربا حلال آن است که شخصی به برادر خود قرض دهد، به این امید که موقع ادای آن، بیش از آن چه گرفته است، بپردازد، بدون این که بین آن دو شرط شود. پس اگر بدون شرط به وی زیادتر داد برای او مباح است ولی نزد خداوند ثوابی ندارد و این همان است که خداوند درباره آن می فرماید: «فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ». و اما ربا حرام عبارت است از این که کسی قرض دهد و در آن شرط کند که بدهکار بیشتر از آن چه قرض کرده برگرداند؛ این همان ربا حرام است.»

به این مضمون روایات دیگری نیز وارد شده است.

چنان که از این روایت پیداست و فقها نیز تصریح کرده‌اند، زیاده در قرض در صورتی ربا و حرام است که شرط شده باشد. امام خمینی (ره) در این باره می فرماید:

«همانا زیاده با شرط، حرام است و بدون شرط اشکالی ندارد، بلکه برای قرض کننده از باب پرداخت نیکو، مستحب است که چیزی اضافه بپردازد.»

صاحب جواهر ادعای اجماع بر این مطلب دارد.

برخی آیات و روایات به اطلاق و برخی به تصریح دلالت می کنند که اشتراط هر نوع زیاده‌ای از جنس مال قرض شده یا غیر آن حتی زیادتی حکمی، ربا و حرام است.

محمدبن قیس در روایت صحیحی از امام باقر (ع) نقل می کند که امام فرمود:

«کسی که به دیگری درهم‌هایی را قرض می دهد، جز برگرداندن مثل آن را شرط نکند. پس اگر بهتر از آن به او بازگردانده شد، بپذیرد. هیچ کدام از شما در مقابل قرض دادن درهمی، سواری حیوان یا عاریه چیزی را شرط نکنید.»

امام خمینی (ره) در این باره می گوید:

« شرط زیاده در قرض جایز نیست... و فرقی نمی کند که این زیاده عینی باشد؛ مانند ده درهم به دوازده درهم، یا کاری باشد؛ مانند دوختن لباس برای قرض دهنده، یا استفاده از منفعتی باشد؛ مانند استفاده از عین رهنی که نزد قرض دهنده است، یا صفتی باشد؛ مثل این که درهم‌های شکسته را قرض دهد و شرط کند که درهم‌های سالم بگیرد» (سیفی / ۱۳۹۱ / ص ۲۴).

۲-۳-۱-۲- ربای معاملی

در سنت معصومین(ع) نوع خاصی از ربا تحریم شده است که «ربای معاملی» نام دارد. این نوع ربا در گذشته که مبادلات کالا با کالا رواج داشت، بیشتر بود، لذا بخش مهمی از مباحث ربا در کتاب‌های فقهی به آن اختصاص دارد. اکنون که بیشتر معاملات به صورت پولی است ربا معاملی کمتر مطرح می‌شود، در عین حال در بعضی موارد جریان پیدا می‌کند. امام خمینی(ره) در تعریف و شرایط تحقق ربا معاملی می‌فرماید:

« ربا معاملی آن است که یکی از دو کالای مثل هم، بازباده عینی به مثل دیگر فروخته شود؛ مانند فروختن یک من گندم به دو من آن، یا به یک من آن و یک درهم، یا با زیاده حکمی فروخته شود؛ مانند یک من گندم نقداً به یک من آن نسیه، واقوا آن است که ربا معاملی اختصاص به بیع ندارد، بلکه در سایر معاملات مثل صلح نیز جاری است. و شرط آن دو چیز است:»
اول آن که: عوض و معوض، به دید عرف از جهت جنس یکی باشد، پس هرچه که در نظر عرف بر آن گندم یا برنج یا خرما یا انگور صدق کند و حکم به یکی بودن جنس آن کنند، بیع بعضی از آن به بعضی دیگر با اضافی جایز نیست، اگر چه در صفات و خواص مختلف باشند.

دوم آن که: عوض و معوض از مکیل یا موزون باشد، پس در چیزی که با شمردن یا مشاهده فروخته می‌شود ربا نیست. تعریف و شرایطی که برای ربا معاملی بیان شد، قول مشهور فقهای شیعه و مضمون روایات فراوانی است و بی‌نیاز از استدلال است (همان، ص ۲۴).

۲-۲- مفهوم بانک

امروزه به دلیل وجود مؤسسات مختلف پولی و مالی مشابه بانک، مانند مؤسسه‌های پس‌انداز و وام، مؤسسه‌های مالی و اعتباری، مؤسسات رهنی و برخی مؤسسات بیمه که فعالیت‌های مشابه بانک انجام می‌دهند، نمی‌توان تعریف دقیقی از بانک ارائه داد، اما به عنوان تعریفی ساده و تاحدودی روشن‌تر می‌توان گفت: «بانک، یک مؤسسه انتفاعی است که با سرمایه خود و سپرده‌های مشتریان، به منظور کسب سود، اقدام به جمع‌آوری سپرده‌ها، دادن وام و اعتبارات و ارائه خدمات بانکی می‌نماید» (مجتهد؛ حسن زاده/ ۱۳۸۰/ ص ۱۰۳). بر اساس این تعریف ساده می‌توان فعالیت‌های اصلی بانکها را در عرصه اقتصاد به دو گروه عمده «جمع‌آوری سپرده‌های صاحبان وجوه مازاد» و «اعطای تسهیلات و اعتبارات به متقاضیان»، طبقه‌بندی نمود؛ یعنی بانکها از یک طرف وجوه مازاد مردم، مؤسسات، شرکتها و دولت را در قالب انواع سپرده جذب می‌کنند و از طرف دیگر به متقاضیان وجوه مانند مصرف‌کنندگان، فعالان اقتصادی، مؤسسات خیریه و دولت، تسهیلات کوتاه مدت، میان مدت، بلند مدت و اعتبار می‌دهند. و چنان‌که به حق تشبیه کرده‌اند، یک نظام بانکی سالم در کشور همانند قلب سالم در بدن عمل می‌کند؛ همان‌گونه که قلب، عصاره غذایی (خون) را جذب کرده و از طریق رگ‌ها به تمام اعضای نیازمند بدن می‌رساند، بانکها نیز سرمایه‌های راکد و غیر مولد را از سراسر کشور جذب کرده و به دست‌ان پر توان و بخش‌های مولد اقتصادی می‌رسانند (جمشیدی/ ۱۳۷۹/ ص ۴ و ۳). یکی از نقش‌های نظام بانکی - و به اعتقاد برخی، مهم‌ترین نقش آن - کنترل و هدایت متغیرهای اساسی اقتصاد کلان از طریق اجرای سیاست‌های پولی است. سیاستگذاران بانک مرکزی با مطالعه دقیق وضعیت اقتصادی کشور برای رسیدن به اهداف رشد مناسب اقتصادی، اشتغال کامل، تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها و تعادل موازنه پرداخت‌های خارجی، با استفاده از ابزارهای سیاست پولی وارد شده و از طریق تاثیرگذاری روی نرخ سود بانکی (هزینه استفاده از پول) و حجم پول، اهداف مذکور را تعقیب می‌کنند (کميجانی/ ۱۳۷۳/ ص ۳).

۳- تشریح نظام بانکداری ایران

لازم است یک تصویر کلی از نظام بانکداری برای شناخت هر چه بهتر سیستم بانکداری ایران ارائه شود:

۳-۱- ملی شدن بانکها

در تاریخ ۱۳۵۸/۳/۱۷ شورای انقلاب اسلامی (نهاد قانون‌گذاری کشور در آن زمان) لایحه‌ای را به تصویب رساند که نظام بانکی کشور را ملی اعلام کرد. براساس این لایحه ۲۸ بانک (غیر از آنهایی که از ابتدا ملی بودند)، ۱۶ شرکت پس‌انداز و وام مسکن و ۲ شرکت سرمایه‌گذاری، ملی اعلام شدند و مالکیت آنها از بخش خصوصی سلب و به دولت واگذار گردید (ماجدی؛ گلریز/ ۱۳۷۳/ ص ۱۸۴). در ماده یک این لایحه که به علل و اهداف این تصمیم پرداخته، آمده است:

« برای حفظ حقوق و سرمایه‌های ملی و به کار انداختن چرخ‌های تولیدی کشور و تضمین سپرده‌ها و پس‌اندازهای مردم در بانک‌ها ضمن قبول اصل مالکیت مشروع مشروط و با توجه به

- نحوه تحصیل درآمد بانک‌ها و انتقال غیرمشروع سرمایه به خارج،

- نقش اساسی بانک‌ها در اقتصاد کشور و ارتباط طبیعی اقتصادی کشور با مؤسسات بانکی،
- مدیون بودن بانک‌ها به دولت و احتیاج آنها به سرپرستی دولت،
- لزوم هماهنگی فعالیت بانک‌ها با سایر سازمان‌های کشور،
- لزوم سوق دادن فعالیت در جهت اداری و انتفاعی اسلامی،
از تاریخ تصویب این قانون، کلیه بانک‌ها ملی اعلام می‌گردند و دولت مکلف است تا بلافاصله نسبت به تعیین مدیران بانک‌ها اقدام نماید» (ضیائی/ ۱۳۷۳/ ص ۸۶۱).

عامل دیگری که در ملی شدن بانک‌ها نقش داشت، وجود گرایش به سطوحی از تمرکز اقتصادی بود که آن زمان در میان برخی از رهبران انقلاب مشاهده می‌شد و به همین جهت است که می‌بینیم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز که در آن سال به تصویب رسید، در بخش اقتصادی متأثر از این گرایش، فعالیت‌های مهم و زیربنایی را دولتی می‌داند. در اصل (۴۴) قانون اساسی آمده است:

«نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی: تعاونی و خصوصی و با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش دولتی، شامل: کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه‌آهن و مانند اینهاست که به‌صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است» (همان، ص ۸۵۸).

بنابراین در یک جمع‌بندی کلی، دلایل اصلی ملی شدن بانک‌ها عبارت بودند از: وجود گرایش به سطوحی از اقتصاد متمرکز، جلوگیری از خروج سرمایه توسط بانک‌ها، ورشکستگی و مدیون بودن بسیاری از بانک‌های خصوصی به دولت، ایجاد هماهنگی برای تصمیمات اقتصادی و فراهم آوردن زمینه مناسب برای کنترل اسلامی فعالیت‌های بانکی. روشن است که این علل و عوامل، بر فرض هم در آن مقطع زمانی صحیح بودند و ملی کردن بانک‌ها تنها شیوه مناسب در مواجهه با آن عوامل بود، لیکن استمرار آن نیاز به مطالعات بیشتری دارد. لازم است آشنایان به علم اقتصاد پول و بانکداری و متخصصین صنعت بانکداری و آشنایان به اقتصاد اسلامی، در یک تحقیق هماهنگ مسئله را به دقت مورد بررسی قرار دهند. شاید شرایط جدید اقتصادی و اجتماعی روش‌های دیگری را بطلبد.

۳-۲- ادغام بانک‌ها

گسترش بی‌رویه بانک‌ها - خصوصاً در دهه ۱۳۵۰ - گذشته از آثار زیانباری که بر تخصیص منابع مالی و فیزیکی اقتصاد کشور داشت؛ کنترل و نظارت بر نظام بانکی و هماهنگ کردن فعالیت‌های بانک‌های تجاری با اهداف اقتصاد ملی را با مشکلات بزرگی مواجه می‌کرد. به طوری که، ملی شدن بانک‌ها و انتقال مالکیت همه آنها به دولت، زمینه را برای ادغام بانک‌ها فراهم نموده بود. تا اینکه شورای انقلاب اسلامی در ماده (۱۷) قانونی اداره امور بانک‌ها (مصوب ۱۳۵۸/۷/۳) مجمع عمومی بانک‌ها را به گروه‌بندی و ادغام بانک‌های تجاری و تخصصی مأمور کرد و مجمع عمومی شبکه بانکی کشور را که در آن زمان شامل ۳۶ بانک بود، به شرح زیر تجدید سازمان داد:

۳-۲-۱- انواع بانک‌ها

انواع بانک‌ها به تجاری و تخصصی تقسیم می‌شود:

۳-۲-۱-۱- بانک‌های تجاری

۱. بانک ملی، ۲. بانک سپه، ۳. بانک رفاه کارگران، ۴. بانک صادرات ایران، ۵. بانک تجارت، ۶. بانک ملت.

۳-۲-۱-۲- بانک‌های تخصصی

بانک‌های تخصصی شامل موارد ذیل می‌شود:

۱. بانک صنعت و معدن، ۲. بانک مسکن، ۳. بانک کشاورزی.

اهدافی که شورای انقلاب و مجمع عمومی بانک‌ها از این ادغام داشتند، به‌طور خلاصه عبارت بودند از:

۱. تسهیل و دقت عمل بیشتر در زمینه اجرای سیاست پولی و اعتباری و امکان نظارت دقیق و کامل بر اجرای سیاست‌ها.
۲. جلوگیری از رقابت نامعقول.
۳. تقلیل هزینه‌های اداری و صرفه‌جویی در منابع مالی و انسانی.
۴. امکان اجرای طرح‌های استخدامی و رفاهی یکسان و یکنواخت برای کارکنان همه بانک‌ها.
۵. امکان پیاده کردن نظام حسابداری - اداری پیشرفته، یکسان و یکنواخت.
۶. بالا رفتن امکانات مالی و تحکیم موقعیت حقوقی بانک.

۷. امکان ایجاد یک مرکز تحقیقاتی وسیع علوم بانکی و ایجاد آموزش بانکداری جهت تربیت کادر لازم برای نظام بانکی. شایان ذکر است که این ادغام و گروه‌بندی هیچ‌وقت به معنی اتمام کار نیست. چه بسا شرایط اقتصادی و اجتماعی جدید، گروه‌بندی یا ادغام و یا گسترش بانک‌ها را با نظم دیگری بطلبد. بنابراین، مجمع عمومی بانک‌ها نباید کار را برای همیشه تمام شده تلقی کند.

۴- تفاوت ماهوی ربا با بهره (بازده)

برخی مدعی‌اند ربا، بازده ثابت و از قبل تعیین شده در قرارداد است که فقط در جوامع معیشتی سنتی رخ می‌دهد. در جوامعی که به دلیل ثبات تکنولوژی و سلیقه‌ها برای مدت زمان طولانی، نه تنها سطح عمومی قیمت‌ها بلکه قیمت‌های نسبی نیز ثابت هستند، برای قرض دهنده بازده ثابت و از قبل تعیین شده‌ای (ربا) متصور است، اما در عصر حاضر که به علت پیشرفت تکنولوژی و تغییر سلیقه‌ها سطح عمومی قیمت‌های نسبی پیوسته در حال تغییر است، وقتی صاحب پول یا بانک، وام و اعتباری در اختیار دیگری قرار می‌دهد و بهره می‌گیرد، از بازده ثابت خبری نیست، بلکه روی یک نرخ بهره اسمی توافق شده و بهره واقعی (بازده واقعی) متناسب با تورم و تغییرات قیمت‌های نسبی، تغییر می‌کند؛ پس ربا و بهره اختلاف ماهوی داشته، مربوط به دو دوره مختلف اقتصاد هستند (غنی نژاد / ۱۳۹۱ / ص ۲۷۵).

این نظریه از دو جهت قابل خدشه است:

اولاً: انحصار تعریف ربا به «بازده ثابت» صحیح نیست، چرا که طبق روایات صحیح و معتبر، کسی که به دیگری قرض می‌دهد تنها حق دارد گرفتن اصل مالش را شرط کند و اشتراط گرفتن هر نوع زیاده، اعم از این که آن زیاده ثابت باشد یا متغیر، رباست (حرعاملی / ۱۴۱۳ هـ.ق / ص ۳۷۵).

ثانیاً: ادعای ثبات سطح عمومی قیمت‌ها و قیمت‌های نسبی در صدر اسلام ادعای خلاف واقع است و عواملی چون خشک‌سالی، جنگ‌های طولانی، سیل، آفت‌های زراعی و دامی، ناامن شدن راه‌ها، قیمت‌های نسبی و در صورت تداوم، سطح عمومی قیمت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌داد و به همین دلیل است که در تاریخ اسلام در روایات متعددی می‌خوانیم که قیمت‌ها در زمان حضرت رسول الله (ص) یا خلفا پیوسته تغییر می‌کرد، به طوری که مردم از حاکمان وقت تقاضای قیمتگذاری کالاها را داشتند (شیخ صدوق / ۱۴۱۳ هـ.ق / ص ۲۶۸).

بنابراین در صدر اسلام نیز خبری از بازده [بهره] ثابت در کار نبود. همان‌طور که امروزه روی نرخ بهره اسمی توافق می‌کنند و بهره واقعی تحت تأثیر تغییرات قیمت‌هاست، در صدر اسلام نیز روی بازده اسمی توافق می‌کردند و بازده [بهره] واقعی تحت تأثیر تغییر قیمت‌ها بود و اسلام همان را به عنوان ربا تحریم کرد. پس هیچ تفاوت ماهوی بین ربا و بهره نیست (موسویان / ۱۳۸۱ / ص ۱۷۳).

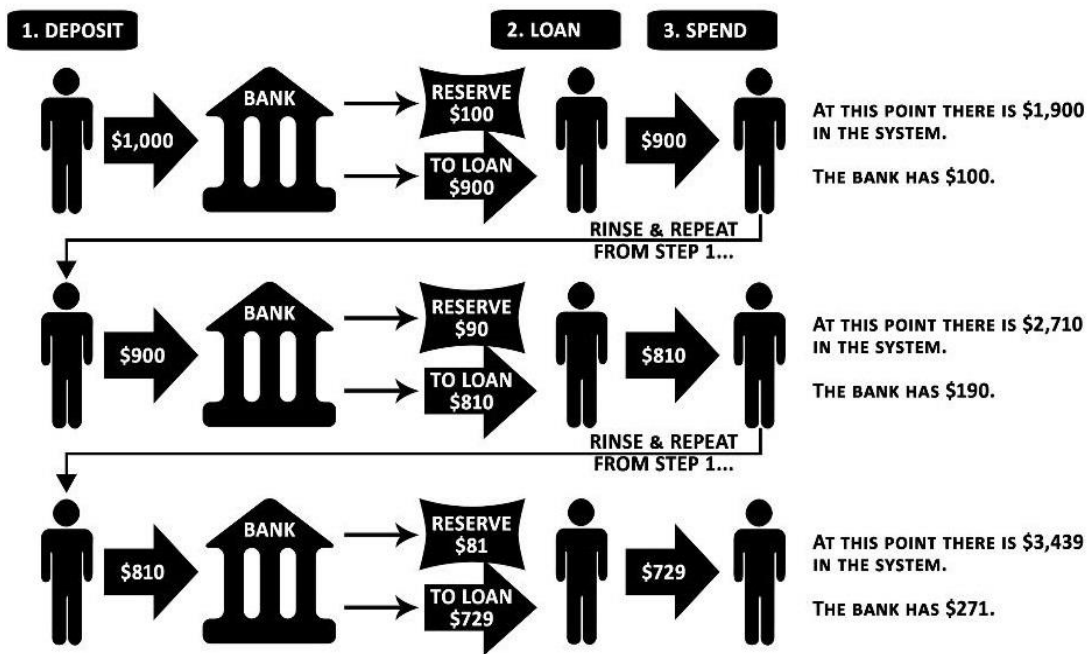
۵- علل ربوی بودن عملیات بانکی

صوری بودن بخشی از معاملات (رشد کمی عقود با بازده ثابت، که ماهیتی شبیه وام و اعتبارات ربوی دارند) تثبیت بازدهی عقود با بازدهی متغیر، تغییر ماهیت عقود مشارکتی به عقود با بازدهی ثابت، اعلان نرخ سود علی الحساب در اول دوره و اعطاء همان نرخ به عنوان سود تحقق یافته برای سپرده‌ها، اعلان نرخ سود انتظاری و گرفتن همان نرخ به عنوان سهم بانک از متقاضی تسهیلات، صحبت از بالابودن سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری، در حالی که در بانکداری بدون ربا سود سپرده‌ها تابع سود دهی نظام بانکی است که در آخر دوره مالی مشخص می‌شود اعلان اعطای یک درصد سود اظافی توسط بانک مسکن برای سپرده‌گذاران و ده‌ها مسئله دیگر از این قبیل؛ باعث می‌شوند تا مشتریان بانک و عموم مردم اعتماد لازم برای رویداد تحول بانکداری را نداشته و به عملیات بانکی به دیده ربوی یا شبه ربوی نگاه کنند (موسویان / ۱۳۸۹ / ص ۲۱۵).

راهکار ارایه شده برای برون رفت از این مشکل سود علی الحساب است. این راهکار گرچه مورد تأیید شورای نگهبان بوده و نظام بانکی ایران به استناد آن عمل می‌کند، لکن از جهت فقهی محل بحث است و فقها نسبت به جواز آن شبهاتی را وارد دانسته‌اند. تحلیل فقهی این موضوع ۴ شان می‌دهد که هر شرط ضمن عقدی که اولاً مخالف مقتضای عقد نباشد، ثانیاً مخالف کتاب و سنت نباشد و ثالثاً مورد توافق طرفین باشد، صحیح و همانند عقد لازم الوفاست. شبهات وارده به این راهکار عموماً مربوط به شرط دوم می‌شود. احتمال وقوع ربای قرضی، ربای جاهلی (به معنای افزایش میزان دین در مقابل تمدید مدت و نیز احتمال به کارگیری حيله برای دریافت ربا از جمله مواردی است که چنین شبهاتی را ایجاد نموده است) قلیچ / ۱۳۸۹ / ص ۶۶). چالش دیگری اینکه در مواقعی که بدهکاران مطالبات بانکی را (اعم از مطالبات جاری و غیرجاری) با تأخیر،

تأدیه می کنند، جریمه دیرکرد بنا بر حکم تعزیر متخلف از آنان اخذ می شود. اصل بدهی پرداختی به بانک ها تعلق یافته و جریمه دیرکردها به صندوق دولتی که به این منظور تأسیس شده است، واریز می شود. در این راهکار، صندوق از طرف بان که ای طلبکار وکیل در وصول اصل بدهی و از طرف دولت وکیل در وصول جرائم نقدی دیرکرد می شود. صندوق مجاز است حق الوکاله خود را متناسب با هزینه های متحمل شده جهت احیای بدهی ها و جریمه های دیرکرد از صندوق برداشت نماید(همان، ص ۶۸). اما این راهکار منطقی به نظر نمی رسد چرا که ماهیت جریمه تعزیری واریز به حساب دولت و هزینه کرد آن در جهت هزینه های عمومی است، نه واریز مجدد به حساب بانک یا برداشت بانک از صندوق متعلق به دولت و بیت المال متعلق به کل جامعه. بنابراین چنین راهکاری مردود است.

أخذ سود فراوان از ناحیه بانکها و سایر مراجع اعطا کننده وام و همچنین سخت گیری های بیش از حد این مراجع در پرداخت وام سبب شده که قبح در دریافت و پرداخت ربا در بین مردم به شدت کاهش یابد. به نحوی که اگر فردی حاضر شود با سودی کمتر نسبت به مراجع یاد شده به مردم پول قرض بدهد بنظر می رسد که رفتار وی لاقبل در بین عموم مردم چندان قبیح به نظر نخواهد رسید(علیزاده اشکلک / ۱۳۸۳ / ص ۱۴۲). از طرفی ربا به معنای افزایش و تورم است. معامله ربوی به آن دسته از معاملات اطلاق می شود که سرمایه خودبه خود و بدون عمل مفید افزایش یابد و چون معامله ربوی اغلب یا منحصراً در عصر ظهور اسلام از راه قرض پول بوده، از این نظر باید ربای ممنوع منحصر به ربای عاید از راه قرض پول باشد؛ ولی سنت گذاران اسلام که مفسر و مبین نظر قرآن بودند، قسمتی از معاملات را مشمول عنوان ربا دانسته و آن را تحریم کرده اند؛ مقیاس این قسم معاملات ربوی مبادله دو کالا با اضافه است که از یک نوع و مکیل و موزون باشد(طالقانی / ۱۳۵۸ / ص ۱۸۴). در شکل ۱. چرخه بانکی مبنایی فرکشنال رزرو (Garschina, 1996, p:9) نشان داده شده است:



شکل ۱. چرخه بانکی مبنایی فرکشنال رزرو

بنابراین با وجود چنین چرخه ای که در شکل ۱ نمایش داده شد، نمی توان اسلامی بودن سیستم بانکی را تأیید کرد و با اصولی که در این پژوهش برشمردیم مغایرت دارد. نه تنها با اصول دستورات اقتصادی اسلام، بلکه با منطق اقتصادی حاکم بر شرایط امروز علم اقتصاد هم چنین چرخه و رویکردی منجر به تولید و رشد و پویایی جامعه نمی شود و آسیب زا می باشد. بنابراین با صوری بودن معاملات و خلق پول به روشی که تشریح شد و همچنین جریمه دیرکرد که بانکها اخذ می کنند تحقق ربا ثابت است.

۶- تشریح جرم ربا

ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی ربا را جرم و برای آن مجازات در نظر گرفته است: مرتکبین اعم از ربا دهنده، ربا گیرنده و واسطه بین آنها علاوه بر رد اضافه به صاحب مال به شش ماه تا سه سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق و نیز معادل مورد ربا به عنوان جزای نقدی محکوم می‌گردند.
عنصر مادی:

۱- مرتکب: که بین اشخاصی حقیقی است ولی بدلیل سکوت مقنن می‌توان استنباط کرد که اگر شخص حقوقی یا حقیقی باشد ربا تحقق می‌یابد و فقط یک استثناء وجود دارد آن هم مسئله عملیات بانکی است که از طرف فقهای عظام مورد بحث واقع شده است.

۲- فعل مرتکب: عمل مثبت مادی خارجی است که توافق برگرفتن مبلغ و مقدار زیادی از اصل مال در قرض و معامله.

۳- موضوع جرم: ربای معاملی و ربای قرضی

۴- نتیجه مجرمانه: گرفتن مبلغ زیادی که قبلاً بر آن توافق کرده بودند چون اگر مالی رد و بدل نشود با وجود توافق قبلی جرم نیست و ممکن است مصداق شروع به ربا باشد.^۱
عنصر معنوی جرم ربا نیز به دلیل مقید بودن آن علاوه بر سوء نیت عام که قصد انجام توافق برگرفتن مبلغ و مقدار زیادی از اصل مال در قرض و معامله بوده و سوء نیت خاص آن با نتیجه تحقق یافته جرم ربا کامل می‌شود و عنصر معنوی را تکمیل می‌کند.

۷- اثبات تحقق جرم ربا در بانکداری ایران

معامله صوری همانطور که از اسم آن نیز مشخص است؛ به معنای این است که صورت و ظاهری از معامله را دارد، ولی خرید و فروش به معنای واقعی خود انجام نگرفته است؛ و به لحاظ اینکه قصد معامله در آن نیست، قانوناً و شرعاً باطل است. مشروعیت دریافت سپرده بانکی از مردم و اعطای وام از سوی بانک به مردم وابسته به عقود است که مبنای آن به تولید و منافع مشروع مورد تأیید شارع مقدس بر می‌گردد. حال آنکه چرخش پول بدون نظارت در غیر محل مصرف مورد نظر عقود مندرج در قوانین پولی و بانکی در مواردی توسط وام گیرنده، مشروعیت این عقود را منتفی و آنها را باطل می‌سازد. برای مثال خرید سکه و ارز و زمین و مشارکت در این قبیل اعمال نامشروع و گاه غیرقانونی در اقتصاد کشور، بجای خرید دستگاه برای واحد تولیدی یا خرید تراکتور برای زمین کشاورزی توسط وام گیرنده می‌تواند موجب ابطال قرارداد به دلیل قصد نامشروع وام گیرنده یا عدم تطابق ایجاب و قبول و قصد طرفین باشد. قصد نامشروع معامله را باطل می‌سازد. حتی اگر اینطور استدلال کنیم که قصد نامشروع وام گیرنده به هزینه کرد مبلغ دریافت تسهیلات در امور غیر قانونی (خلاف جهت اعطای وام که خلاف مقتضای ذات عقد است) یا خلاف شرع (آنچه که موجب ضرر به جامعه مسلمین است) موجب ابطال معامله را محقق می‌سازد. در نتیجه بانک سود مبلغی را دریافت خواهد کرد که جهت مشروعیت عقود مشروع بانکی را از دست داده است و فقط می‌توان چنین تراکنش مالی متقابل میان بانک و وام گیرنده را ربا نامید. همچنین انعقاد عقود بانکی برای دریافت وام از سوی بانک و ارائه فاکتور صوری برای تأیید مورد مصرف وام و یا عدم نظارت صحیح و کامل بر محل مصرف وام (مانند صاحبان کارخانجات تولیدی بزرگ که وام متعلق به نوسازی دستگاههای کارخانه را صرف خرید ملک یا طلا می‌کنند)، محاسبات اقتصاد دانان و تصویب کنندگان میزان و سقف وام های مرتبط با موضوع وام را برهم زده و به عبارت دیگر نظم عمومی را با خدشه مواجه می‌سازد. علم بانک ها و گردانندگان آنها به چنین رویکردی و همچنین ضعف نظارتی که پیگیری و بر طرف نمی‌شود مفروض بوده و مؤید سوء نیت عام است. این استدلال که بانک ها از موضوع صوری بودن برخی وام ها، ضعف سیستم نظارتی آگاهی ندارند؛ با توجه به اشراف و دانش دست اندرکاران بانک مرکزی، وزارت اقتصاد و دارائی، موسسات و پژوهشکده های مختلف در سیستم عریض و طویل بانکی و وجود جمع نخبگان حقوقی، اقتصادی، حسابداری و ... در مجموعه های بانکی امری قابل پذیرش نیست. از طرفی سوء نیت خاص بانک به محض تحقق دریافت اولین قسط از وام مشخصاً به اثبات می‌رسد. در تأیید فقهی مطلب فوق آیت الله مکارم شیرازی از مراجع تقلید دقیقاً به این موضوع اشاره کرده اند و با تشخیص خود مهر تأیید بر تحلیل مطرح شده در این مقاله زده اند. ایشان مسئله را اینطور بیان کرده اند که بانکداری از غرب به کشور آمده و ما از غرب پیروی کردیم؛ باید بانکداری را اصلاح و اسلامی کنیم؛ هر کاری می‌کنیم از طرف دیگر بوی غرب می‌دهد، خیلی کار می‌خواهد تا بانکداری تبدیل به اسلامی شود. نکته مهم اجرای بانکداری اسلامی است، بانک‌ها گوش به بانکداری

¹ http://pajoohi.ir/%D8%B1%D8%A8%D8%A7__a-28895.aspx

اسلامی نمی‌دهند؛ هر چه می‌گوییم به قانون بانکداری اسلامی عمل کنید گوش نمی‌کنند، این مسئله را بارها تذکر دادیم، ولی عملی نشد. مسئولین برخی بانک‌ها می‌خواهند درآمد بیشتر داشته باشند و مقید به بانکداری اسلامی نیستند. مشکل دیگر دور زدن قانون بانکداری اسلامی است، بانک‌ها به بهانه‌های مختلف کلاه درست می‌کنند و قانون را دور می‌زنند. مشکل اصلی در اجرای قانون است، باید به مردم آموزش داد، و گرنه روی کاغذ قانون درست کنیم ارزشی ندارد، باید هم قانون اصلاح شود هم ضمانت اجرایی داشته باشد تا شاهد برچیده شدن مشکلات در حوزه بانکداری شویم. ریشه اصلی بانک از غرب آمده و ما می‌خواهیم اصلاح کنیم، ولی می‌بینیم جای دیگر خراب می‌شود.^۲

از طرفی خلق پول نمایش داده شده در چرخه‌ی بانکی مبنایی فرکشنال رزرو (شکل ۱) نشان می‌دهد که بدون فعل و رعایت قرارداد موجب تولید، اشتغال و خدمات (فی مابین بانک و سپرده‌گذار) امکان واریز مستقیم سپرده‌های مردم به حساب وام‌گیرندگان بدون هیچ فعل موجب ایجاد نفع مؤثر در پویایی جامعه اسلامی که مشروعیت آن در اسلام پذیرفته شده است؛ فراهم است و هیچ تضمینی برای بستن دست بانکها یا عدم ارتکاب چنین فعلی وجود ندارد. با چنین رویکردی قطعاً با پرداخت وام از سوی بانک، علاوه بر فعل مادی سوء نیست عام محقق شده و با پرداخت اولین قسط پس از اتمام اصل مبلغ وام از سوی وام‌گیرنده سوء نیست خاص نیز که همان قصد نتیجه است، تحقق می‌یابد.

از طرفی جریمه دیرکرد و جریمه بر مبلغ جریمه دیرکرد مشخصاً ربا محسوب می‌شود و هیچ ارتباطی به سود ناشی از کار و منفعت ندارد که مصداق بارز ربا است. آیت‌الله نوری همدانی از مراجع تقلید در تأیید مطلب فوق موضوع را اینطور تبیین می‌کنند که واکنش‌های فراوانی را به دنبال داشت، به موضوع ربا در فعالیت‌های بانکی اشاره و تأکید کرد: «ربا، گناه کبیره‌ای است که در اسلام حرام است. اگر در مقابل یک قرض، پول بیشتری گرفته شود، حرام و ربا است و متأسفانه این کار در بانک‌های ما انجام می‌شود. وی با اشاره به اینکه گرفتن زیادی فقط در یک مورد مجاز است، تصریح کرد: اگر در هنگام قرض و به عنوان شرط ضمن عقد توافق شود که اگر تا فلان تاریخ آورده نشود، باید فلان مقدار جریمه دهد، مشکلی نیست و باید پرداخت شود؛ اما در بانک‌ها از این موضوع سوءاستفاده شده و در قراردادهای خود آورده‌اند که اگر یک ماه دیر شود، فلان مقدار؛ اگر یک ماه و پنج روز دیر شود، فلان مقدار و ...؛ که در این صورت این جریمه‌ها را روی بدهی افراد کشیده و برای آن جریمه نیز مجدد جریمه دریافت می‌کنند که این مسائل، ربا است. این استاد حوزه بیان کرد: جریمه را فقط یک مرتبه می‌توان دریافت کرد؛ نه اینکه برای آن مدل‌های گوناگون ساخته و روی جریمه نیز مجدداً جریمه دریافت کنند. بارها در پاسخ به نامه‌ها نوشته‌ایم که جریمه برای أداء دین رباست، اما متأسفانه به این احکام الهی عمل نمی‌شود.»^۳

۸- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

از این مقاله نتایج ذیل استخراج می‌شود:

اول اینکه: ربا می‌تواند توسط شخص حقیقی یا حقوقی محقق شود و بانکها به عنوان شخص حقوقی می‌توانند مرتکب این جرم باشند.

دوم اینکه: عقود بانکی که جنبه صوری دارد به واسطه فقدان قصد در معاملات صوری، عدم تطابق ایجاب و قبول، جهت خلاف مقتضای ذات عقد (خلاف جهت علت اصلی وقوع عقود بانکی مانده سرمایه‌گذاری در تولید یا خدمات به جای دلالتی تورم‌زا و آسیب‌زای سکه و ملک و ارز) باطل و به وام‌های بانکی جنبه ربا می‌دهد.

سوم اینکه: خلق پول نمایش داده شده در چرخه‌ی بانکی مبنایی فرکشنال رزرو مشخصاً ربا محسوب می‌شود و فلسفه عقود اسلامی و مشروعیت وام بانکی را منتفی ساخته و ربای بانکی را محقق می‌سازد.

چهارم اینکه: جریمه دیرکرد و جریمه بر مبلغ جریمه دیرکرد مشخصاً ربا محسوب می‌شود و هیچ ارتباطی به سود ناشی از کار و منفعت ندارد که مصداق بارز ربا است. اگر در هنگام قرض و به عنوان شرط ضمن عقد توافق شود که اگر تا فلان تاریخ آورده نشود، باید فلان مقدار جریمه دهد، مشکلی نیست و باید پرداخت شود؛ اما در بانک‌ها از این موضوع سوءاستفاده شده و در قراردادهای خود آورده‌اند که اگر یک ماه دیر شود، فلان مقدار؛ اگر یک ماه و پنج روز دیر شود، فلان مقدار و

پنجم اینکه: در سه فرض فوق با پرداخت وام از سوی بانک، علاوه بر فعل مادی سوء نیست عام محقق شده و با پرداخت اولین قسط پس از اتمام اصل مبلغ وام از سوی وام‌گیرنده سوء نیست خاص نیز که همان قصد نتیجه است، تحقق می‌یابد.

^۲ <https://www.isna.ir/news/95112618709>

^۳ <https://www.isna.ir/news/95112618709>

منابع و مراجع

- ۱- موسویان، س.ع، احکام فقهی اوراق بهادار، رساله سطح چهار حوزه علمیه قم، حوزه علمیه قم، ۱۳۸۴.
 - ۲- فیض، ع.ر، مبادی فقه و اصول، موسسه انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۰.
 - ۳- سیفی، علی، بررسی عقود اسلامی در بانکداری از منظر فقهی امام خمینی(ره)، درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، ۱۳۹۱.
 - ۴- پوستی، ف؛ حسنی، ز، ماهیت فقهی و حقوقی ربا، مجله تخصصی فقه و مبانی حقوق واحد بابل، شماره ۲، زمستان ۱۳۸۴.
 - ۵- موسوی بجنوردی، س.م، مبحث ربا، پژوهشنامه متین، شماره ۸، پاییز ۱۳۷۹.
 - ۶- مجتهد، ا؛ حسن زاده، ع، پول و بانکداری، پژوهشکده پولی و بانکی، تهران، ۱۳۸۰.
 - ۷- جمشیدی، س، بانکداری اسلامی، شکوه اندیشه، تهران، ۱۳۷۹.
 - ۸- کمیجانی، اکبر، سیاست‌های پولی مناسب، معاونت اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارائی، تهران، ۱۳۷۳.
 - ۹- ضیائی، م، مجموعه قوانین پولی و بانکی، پژوهشکده پولی و بانکی، تهران، ۱۳۷۲.
 - ۱۰- ماجدی، ع؛ حسن، گ، پول و بانک از نظریه تا سیاست‌گذاری، چاپ ششم: موسسه بانکداری ایران، تهران ۱۳۷۳.
 - ۱۱- غنی نژاد، م، مجموعه مقالات ششمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی، ۱۵ بهمن، ۱۳۹۱.
 - ۱۲- شیخ حر عاملی - م، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ج ۴، مؤسسه آل البیت، بیروت، ۱۴۱۳ هـ.ق.
 - ۱۳- شیخ صدوق - ا، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، دفتر انتشارات اسلامی جامعه، قم ۱۴۱۳ هـ.ق.
 - ۱۴- موسویان - س. ع، ثمرات فقهی - اقتصادی دفعی یا تدریجی بودن تحریم ربا در قرآن، مجله اقتصاد اسلامی، ش ۱ زمستان ۱۳۸۱.
 - ۱۵- موسویان، س.ع، جریمه تأخیر تأدیه، پژوهشکده پولی و بانکی، تهران، ۱۳۸۹.
 - ۱۶- قلیچ، و، جریمه تأخیر تأدیه در بانکداری بدون ربا تحلیل مشکلات و ارائه راهکارهای جدید، مجله تازه‌های اقتصاد، شماره ۱۳۰، سال هشتم، زمستان ۱۳۸۹.
 - ۱۷- علیزاده اشکلک، ح.م، سیاست جنائی و قضائی ایران در خصوص جرم ربا، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۶، بهار ۱۳۸۳.
 - ۱۸- طالقانی، س.م، اسلام و مالکیت در مقایسه با نظامهای اقتصادی غرب، ارشاد، تهران، ۱۳۵۸.
- 19- Block W, Garschina KM. Hayek, business cycles and fractional reserve banking: Continuing the de-homogenization process. *The Review of Austrian Economics*. 1996 Mar 1;9(1):77-94.
- 20- http://pajoohi.ir/%D8%B1%D8%A8%D8%A7__a-28895.aspx
- 21- <https://www.isna.ir/news/95112618709>